ص

بواسطهٴ حضرت خان

جناب آمیرزا نصراللّه علیه بهآء اللّه الابهی

هو الله

ای بندهٴ حق صبح هدی چون از افق اعلی طلوع نمود پرتوش بشارت کبری بود و مژده‌اش ظهور جمال ابهی و در احسن‌ القصص قیّوم اسما واضح من ‌دون خفا و در جمیع بیان جمیع امور منتهی باین ذکر ابدع احلی انّ یوم القیامة من اوّل ما یطلع شمس البهآء الی ان یغرب و ایّاک ایّاک ان تحتجب بالواحد البیانیّة و ایّاک ایّاک ان تحتجب بما نزّل فی البیان و از جملۀ واحد بیان خود آنحضرتست هیجده حروف حیّ و نوزدهم خود حضرتست و یکی از حروف حیّ حضرت قدّوس است که میفرماید سیزده واحد مرآت در ظلّ اوست پس بمحتجبین بفرما که حضرت اعلی با وجود اینکه میفرماید زنهار زنهار محتجب از آن جمال کبریا بتوجّه بمن مگرد و یا بآنچه که در بیان نازل شده با وجود این ای بیهوشان از هر طرفی فریاد برآرید یکی گوید اینَ ظهور من یظهره اللّه و دیگری گوید اینَ قصور من یظهره اللّه دیگری فرماید اینَ مکتب دروس من یظهره اللّه و دیگری گوید اینَ مهد نشور من یظهره اللّه حضرت اعلی میفرماید ایّاک ان تحتجب بالواحد البیانیّة او بما نزّل فی البیان لکن این بیهوشان ظواهر آیات را بهانه نموده و بر آن جمال بیمثال که جمیع بیان بذکر او نازل شده اعتراض نمایند فما لهؤلآء القوم لا یکادون یفقهون حدیثاً میفرماید اگر الیوم ظاهر شود فانا اوّل العابدین ثمّ انتم فی سنة التّسع کلّ خیر تدرکون ثمّ و ثمّ الی آخره

 اوّل ملاحظه فرما که بچه استناد فتوی بر خون حضرت اعلی روحی له الفدآء دادند ملّا محمّد ممقانی گفت ایّها النّاس خدا در قرآن میفرماید ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتّقین یعنی هدایت عالمیانست و بنصّ صریح میفرماید ولکنّه رسول اللّه و خاتم النّبیّین ما چنین نصّ صریح را چگونه سبب ضلالت دانیم با وجود اینکه عین هدایتست این شخص که گوید اولاد رسولم بنیان رسول را برانداخت پس بعضی از احکامیکه در بیان منصوص است و بکتاب اقدس نسخ شده است یک یک را شمرد بعد گفت که علامت سیادترا از سر مبارک حضرت برداشتند و بکمال بغضا آن فتوی را بی‌محابا داد بگو آیا قوم یهود بچه متمسّک شدند و آن یار را زینت دار کردند جز بظواهر آیات توراة تشبّث نمودند و از آن فیض مسیحائی محروم گشتند بنصّ توراة تشبّث نمودند و از آن منزل توراة محتجب گشتند و فریسیان که اعلم علمای عصر و زمان بودند حضرت مسیح را مسیخ نامیدند و آن وجه صبیح ملیح را قبیح شمردند اینست شأن امم در وقت اشراق نیّر عالم و همچنین چون نفحات قدس احمدی شطر بطحا و یثرب را معطّر نمود و نسیم جان‌پرور تعالیم الهی جزیرة العرب را معرض بهار روحانی کرد علمای مسیحیّین متشبّث بظواهر کتاب مبین گشتند و از اشراق آفتاب علّیّین محروم ماندند زیرا بنصوص قاطعهٴ ظاهرهٴ انجیل جلیل بشارتی بعد از حضرت مسیح نخواهد بود کشیشان و قسّیسان باینعبارات متمسّک شدند و از نور یقین که از افق مبین ساطع و لامع بود محتجب ماندند

 خلاصه جمیع ملل در یوم ظهور نور رحمن متمسّک بظواهر آیات کتاب گشتند و از فیض یزدان خود را بی بهره و نصیب نمودند این سهلست اکثر علما از کتب استنباط فتوی بر قتل سلاطین وجود و انوار غیب و شهود نمودند امّا آن ملل اگر محتجب از ملیک آفاق گشتند چندان جای تعجّب نبود زیرا وصایای صریحهٴ واضحه در کتب و نصایح مکمّله در صحف مثل بیان نبود امّا حضرت اعلی روحی له الفدآء از برای نفسی محلّ توقّف نگذاشتند بکلّی پرده برداشتند بصریح عبارت در جمیع بیان فرمودند که مقصد از جمیع الواح و زبر آن نیّر اعظمست زینهار بصریح کتاب و تأویل خطاب و اشارات آیات محتجب از آن نیّر آفاق نگردید آیا چنین وصایا و نصایحی در توراة و انجیل یا فرقان جلیل موجود لا واللّه این مختصّ باین ظهور اعظمست که صبح هدی جمال اعلی روحی له الفدآء کشف غطا فرمودند و سبیل هدی در نهایت وضوح و صفا نمودند

 و از این گذشته بعد از شهادت آنسرّ وجود و مقام محمود این قوم عنود کجا بودند هر یک در زاویهٴ خذلان ابدی خزیده و رو را از یار و اغیار پوشیده در نهایت خوف و هراس مخفی از جمیع ناس بودند تا آنکه جمال قدم و اسم اعظم روحی لاحبّآئه الفدآء امر اللّه را بلند فرمودند آنوقت این ماران و موران از حفرهٴ خفا بدرآمده جولان نمودند ولی ایّامی نگذشت مگر آنکه فساد کردند و علم عناد بلند نمودند و خود را بحفرهٴ عذاب انداختند لا تسمع لهم ذکراً و لا همساً این وقایع اخیره را ملاحظه نما وقتیکه این آوارگان در زیر تهدید شمشیر بودند سلطان‌ الشّهدآء و محبوب ‌الشّهدآء روحی لهم الفدآء و همچنین سائر شهدا بمقام شهادت کبری فائز گشتند شهداء یزد را پاره‌ پاره نمودند و شهیدان خراسانرا سوختند و رماد اجسادشانرا بباد دادند و همچنین در شیراز و سائر جهات رئیس این قوم عنود در منابر اصفهان و طهران بصریح عبارت تبرّی از حضرت اعلی مینمود آیا این را هم میتوان پنهان کرد داستان اصفهان و طهران شده بود حال که ملاحظه مینماید که آوازهٴ امر اللّه شرق و غربرا بحرکت آورده و صیت اسم اعظم جنوب و شمال را احاطه کرده قوّهٴ کلمة اللّه قوّات عالم را بزلزله انداخته و ندای الهی جهان انسانیرا ببشارات روحانی حیات بخشیده دوباره از حفرهٴ خمودت بیرون آمده عربده‌ئی مینماید و اظهار وجود میکند که ما اهل بیانیم و اساس این بنیان هیهات هیهات سنینی چندی قبل از این کجا بودند کدام یک از اینها در سبیل ربّ اعلی جام بلا نوشید یا زحمتی کشید جز تبرّی و بیزاری ابداً چیزی صادر و ظاهر نشد و بغیر از فسق و فجور بروز و ظهوری نگشت حال نیز اگر امتحانی بمیان آید واللّه الّذی لا اله الّا هو فوراً ملاحظه نمائید که بر فراز منبر برآیند و ندای نحن بریئون بلند نمایند بلکه لعن و طعن فرمایند ایجناب یک سئوال صواب از این نفوس بنما و بگو ای اهل انصاف باللّه بعد از سفک خون مطهّر حضرت اعلی این میرزا یحیی چه کرد جز آنکه دمادم بفکر عروسی افتاد هر روز حرمی در بر گرفت حتّی تجاوز بحرم محترم نمود که امّ المؤمنین بود و بنصّ جمیع شرایع الهی این بی‌حرمتی قطعیّاً جایز نه با وجود این ابداً مراعات ظاهری نیز ننمود خود تصرّف نمود و باین کفایت نکرد بدیگری بخشید جز این فعل فظیع چه نصرتی در امر اللّه نمود کدام نفسی را تبلیغ کرد و کدام مسئله‌ئی را تشریح نمود و در چه موقعی بجانفشانی برخواست و در چه موردی نفس رحمانی اظهار کرد این خواصّ اتباع اوست که ملاحظه مینمائید حتّی از آداب ظاهری محرومند یکی پرتستانست و دیگری اندلف در کلیسای رومیان این چه بلاهت است و این چه حماقت این چه غفلتست و این چه جهالت

 یا ایّها النّاس ضرب مثل فاستمعوا له انّ الّذین تدعون من دون اللّه لن ‌یخلقوا ذباباً ولو اجتمعوا له و ان یسلبهم الذّباب شیئاً لا یستنقذوه منه ضعف الطّالب و المطلوب و همچنین میفرماید یدعو من دون اللّه ما لا یضرّه و ما لا ینفعه ذلک هو الضّلال البعید یدعو لمن ضرّه اقرب من نفعه لبئس المولی و لبئس العشیر و انّ هذا هو الحقّ الیقین ملاحظه نمائید که شهاب ثاقب میثاق چگونه بقلب آفاق زد و چه اشراقی از ملکوت غیب در صفحات سقلاب و افلاق افتاد

شرق منوّر نما غرب معطّر نما

نور بسقلاب ده روح بافلاق بخش

با وجود این این منکران مانند خفّاشان در زاویهٴ خمول خویش خزیده انکار آفتاب کنند فنعم ما قال

فهبنی قلت هذا الصّبح لیل

ایعمی النّاظرون عن الضّیآء

لا واللّه فسوف تسمع نغمات هذا الصّور و نقرات هذا النّاقور من الملأ الاعلی فسبحان ربّی الابهی و علیک التّحیّة و الثّنآء ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر